

بخش دوم گفت و گو با «انتخاب»

امیر احمدی: به موفق گفتیم خیالاتی شدی! / حسودها مانع رابطه با آمریکا هستند/ ایران موجودیت اسرائیل را پذیرفته! / کشور ما اقتصاددانان خوبی ندارد

خبرگزاری انتخاب : امیر احمدی میگوید: اعتقاد دارم دعوایی که بین ایران و اسرائیل است، دعوایی صرفاً لفظی است، و نه به نفع اعراب و نه فلسطینی هاست ، ما اعتقاد داریم موجودیت این کشور غیر شرعی و غیر قانونی بوده، اما بهرحال باید پذیرفت بخشی از این منطقه که اسرائیل یا فلسطین اشغالی می نامیمش، در شورای امنیت عضو است، ما هم عضو شورای امنیت سازمان ملل هستیم، خب وقتی عضو شورای امنیت هستیم، پس به صورت غیر مستقیم خود به خود وجود کشوری به نام اسرائیل را که این شورا به آن مشروعیت داده، پذیرفتیم!



۹ مرداد ماه ۱۳۸۷ ساعت : ۱۴ ، ۲۵
خبرگزاری انتخاب :

بخش نخست گفت و گو با پروفسور هوشنگ امیر احمدی رییس شورای ایران - آمریکاییان دو روز گذشته در «انتخاب» درج شد. امیر احمدی در بخش دوم گفت و گوی خود با «انتخاب»، در مورد مخالفان رابطه با آمریکا ، فقر اقتصاددانی در ایران و همچنین از دیدار خود با موفار معاون نخست وزیر اسرائیل سخن می گوید و به مقامات ایرانی پیشنهاد می دهد که همه کشورها را دوست خود خوانده و با هیچ کشوری دشمنی نکند.

بخش دوم این گفت و گو بدون توضیح بیشتری در پی می آید:

مصطفی فقیهی: آیا شما که قصد لابی گری بین ایران و آمریکا را دارید، حامل پیام هسته ای هم برای مقامات آمریکایی هستید؟

هوشنگ امیر احمدی: (با خنده زیاد) پیام هسته ای دیگر چه صیغه ای هست؟

فقیهی: منظورم پیام های مرتبط با پرونده هسته ای هست؟

امیر احمدی: در مورد مباحث هسته ای، به نظرم هیچ کس پیامی برای رد و بدل کردن ندارد، بنده نیز در این مورد پیام خاصی برای آمریکایی ها ندارم. بنده پیام هایی به قصد شفاف سازی روابط طرفین رد و بدل می کنم، مثلاً وقتی امریکا شرط گذاشت برای مذاکرات هسته ای، ایران به درستی نپذیرفت، اما آمریکایی ها این واکنش ایران را طوری برداشت کردند که ایران انگار در مورد بحث غنی سازی مایل به گفت و گو و مذاکره نیست.

فقیهی: آیا طرف غربی را قابل اعتماد می دانید؟

امیر احمدی : معتقدم در دوران ۱+۵ اتفاقاتی می افتد و در واقع در مذاکرات هسته ای، طرف غربی، پیام های ایران را به خوبی منعکس نمی کند و جو سازی می کند و حساسیست ها بر ایران را افزایش می دهند. مثلاً الان دو نظر مختلف بیان میشود که اصلاً چه اتفاقی در ژنو افتاد، طرفی می گوید مثبت بود و آن طرف می گوید نه خیر چیز مهمی به دست نیاوردیم، باید دید صحت و سقم این جریان چیست.

فقیهی: طی مدتی که در ایران هستید، احساس می کنید چه کسانی در ایران مانع ارتباط ایران و

آمریکا هستند؟

امیر احمدی : در ایران یک نیروی کوچکی هست که هنوز موافق این رابطه نیست، اما دولت و حتی مخالفین دولت از جمله اصولگرایان، کارگزاران و اصلاح طلبان مخالفتی با این مسئله ندارند، یک نیروی کوچکی که در گذشته به احمدی نژاد نزدیک بوده اما قدرت سیاسی ندارد و صرفاً دارای قدرت فشار است، مخالفت می کنند. این نیروها البته از نظر ایدئولوژیک از آمریکا صدمه دیده اند، و دلیل مخالفتشان هم، همین صدمات هست.

اما به نظرم، تصادفاً برای اولین بار میحث رابطه ایران و آمریکا از یک مشکل عادی به یک مشکل ملی تبدیل شده و بخش وسیعی از مردم و جناح ها طرفدار این رابطه هستند، اگر هم مخالفتی میشود براساس حسادت ها و رقابت های داخل سیستم سیاسی ایران است. اما مخالف ها قدرت طرح خود را ندارند، چرا که مردم موافق این رابطه هستند.

فقیهی: آیا می توان امیدوار بود یکی مثل «نیکسون» در یکی از طرفین، ظهور کند و به کشور مخالف دیرینش سفر کند؟

امیر احمدی : من هر احتمالی را می دهم، اوپاما گفته که اگر رییس جمهور بشود با رییس جمهوری ایران ملاقات می کنم، حتی مک کین هم ممکن است این کار را بکند، البته نیکسون همین جوری هم بلند نشد برود به چین، بلکه به قول خودمان می گویم «امام طلبش کرد رف حرم امام رضا»، اوپاما یا مک کین نیز باید طلبیده بشوند، آمریکایی ها همیشه گفتند ما حاضر به مذاکره با ایرانیانی صاحب قدرت در مجموعه سیاسی کشور هستیم، اما طرف ایرانی همیشه می گوید که مذاکره نمی کنم و دوست نداریم مذاکره کنیم!

اما به نظرم، اگر قرار باشد مذاکره ای صورت گیرد باید حتماً از سوی ایران گامی مثبتی برداشته شود، آن جریان نیکسونی که اشاره کردید در صورتی به وقوع خواهد پیوست که طرف ایرانی آمادگی بیشتری نشان دهد.

فقیهی: فکر می کنید در حال حاضر ایران آمادگی بیشتری برای برقراری این رابطه داشته باشد؟

امیر احمدی : در حال حاضر، به نظرم ایران تمایل بیشتری دارد، هر چند صحبت هایی که البته احمدی نژاد طرح می کند، راه ایران به واشنگتن را می بندد، آمریکایی ها کمتر از گذشته به رابطه با ایران علاقه نشان می دهند و تنش این رابطه زیاد شده، اما اعتقاد دارم یک جهش بزرگ لازم است، من اگر جای ایرانی ها بودم یک پارچ آب یخ روی صورت آمریکا می ریختم تا طرف آمریکایی از خواب بیدار شود، منظورم از این مثال، برداشتن چند گام مثبت از سوی تهران است، چون اگر چنین کاری نکنیم، راه به جایی نمی بریم

فقیهی: چندی پیش در یکی از گفت و گوهایتان، از دیدار با موفاز سخن گفتید، خواستم در این مورد بیشتر توضیح دهید و بگویند اولاً این دیدار در کجا برگزار شد و محتوای و هدف اصلی جلسه چه بود؟

امیر احمدی: حدود دو هفته قبل از این که به ایران بیایم، موفاز را در نیویورک دیدم، هدف ایشان از دیدار با من این بود که مرا قانع کند که ایران یک تهدید است و از سوی دیگر، می خواست پیامی بدهد به مسئولان ایرانی که ما در زدن کشورتان جدی هستیم!

فقیهی: یعنی موفاز از طریق شما پیام تهدید آمیز برای ایران ارسال کرده؟

امیر احمدی : خیر، موفاز همان حرف هایی را زد که همیشه می زند، گفت، حرف هایی که او و سایر مقامات اسرائیلی همواره علیه ایران به زبان می آورند

فقیهی: شما به آقای موفاز چه گفتید؟

امیر احمدی: اولاً من به ایشان گفتم "آقا اشتباه می کنی و برای خودت بیخودی خیالاتی شدی!" آنها (ایران) یک سری حرفهایی می زنند و شما هم همینطور! داستان کاشانی ها ست که یک فحش او می دهد و یک فحش ما، تو این ور جوب و من انورا! واقعا هم همینطور است، ما با اسرائیل نه مرز مشترک داریم، نه اختلاف بومی، نه اختلاف مذهبی و نه اختلاف دیگری، نمی دانیم اصلا چرا با هم دعوا داریم، به خاطر فلسطینی ها! یا به عبارتی به خاطر لحاف ملا نصرالدین!

فقیهی: البته بعید می دانم ارتباطی با لحاف ملانصرالدین داشته باشد، اما شما فکر می کنید اسرائیل دشمن ریشه ای با ایران دارد یا اعراب؟

امیر احمدی: ببینید دشمنی اعراب با ایران ریشه ای و تاریخی و ایدئولوژیک است، در مورد بحث خلیج فارس، مباحث مرتبط با جزایر سه گانه، اروند، شیعه و سنی و...ضمن آنکه رقابت های اقتصادی شدیدی با اعراب داریم، اما با اسرائیل هیچ یک از این مشکلات را نداریم!

آدرس جدید و بدون فیلتر سایت «انتخاب»: www.TikNews.info

فقیهی: یعنی شما معتقد به صلح با اسرائیل هستید. ایران همواره محو اسرائیل را نزدیک دانسته و از آنسو، اسرائیل نیز بزرگترین ضربات را به کشور ما زده و دم به دقیقه تهدید می کند. آیا شما معتقدید با چنین کشوری باید صلح شود؟

امیر احمدی: من توصیه ام همیشه به ایران این بوده که مقامات ایرانی بگویند ما با هیچ کشوری دشمن نیستیم و اگر کسی با من مشکل دارد مشکل او ست، ما با هیچ کس دشمن نیستیم، باید سیاست خارجی مان براساس منافع ملی باشد، سیاست خارجی ایران مدتهاست که کشورهای دنیا را به سه دسته تقسیم می کند، کشورهای مثل آمریکا، انگلیس و اینها در ردیف دشمنان هستند، کشورهای دوست ما: مثل بورکینافاسو و امثالهم را دوست می دانیم! و دسته ی سوم: کشورهایی که دوستی و دشمنی شان با ما معلوم نیست، مثل اروپا و هند و چین و اینها، خب این که دسته بندی نشد. کشورهایی که دشمن ما محسوب می شوند کشورهایی هستند که قدرت و ثروت و همه چیز دارند.

فقیهی: پس شما به عنوان کسی که خود را لایبگر ایران و آمریکا می داند، به دولت توصیه می کند که با اسرائیل ارتباط برقرار کند؟!

امیر احمدی: من به هیچ کس توصیه ای نمی کنم، من اعتقاد دارم دعوایی که بین ایران و اسرائیل است، دعوایی صرفاً لفظی است، و نه به نفع اعراب و فلسطینی هاست، نه به نفع حزب الله و حماس...ما اعتقاد داریم موجودیت این کشور غیر شرعی و غیر قانونی بوده، اما بهرحال باید پذیرفت بخشی از این منطقه که اسرائیل یا فلسطین اشغالی می نامیمش، در شورای امنیت عضو است، ما هم عضو شورای امنیت سازمان ملل هستیم، خب وقتی عضو شورای امنیت هستیم، پس به صورت غیر مستقیم خود به خود وجود کشوری به نام اسرائیل - که عضو این شورا نیز هست - را که این شورا به آن مشروعیت داده، پذیرفته ایم!!

فقیهی: ایران با اسرائیل هیچ گونه رابطه ای نداشته و آن را نامشروع می خواند، اما نمی تواند به خاطر دشمنی با اسرائیل، عضو سازمان ملل نباشد و درواقع نمی تواند به خاطر دشمنی با اسرائیل، قید همه کشورها را بزند و با بقیه نیز دشمن شود. عضویت ایران در سازمان ملل صرفاً به دلیل قوانین جهانی است که عدم حضور در آن، تبعات زیادی در پی دارد. اما نمی توان صرف حضور ایران و اسرائیل در این سازمان را مشروعیت دادن به اسرائیل از سوی ایران قلمداد کرد!

امیر احمدی: درست است، بحث من چیز دیگری است، ما ایرانی ها به خاطر مسلمان بودن و طرفدار عدالت بودن مان، معتقدیم که بهر حال اسرائیل به خاطر توسعه طلبی ها، زورگویی ها و کشتارهایی که انجام داده است، نمی تواند مشروعیت داشته باشد. من با این موضوع کاملاً موافقم

فقیهی: خب شما پس فکر نمی کنید طرح همین مسئله دیدار با موفاز و همچنین توصیه به صلح با اسرائیل، می تواند مانعی باشد برای تحقق رابطه ایران و آمریکا حداقل از طریق شما؟

امیر احمدی: چرا اینطوری فکر می کنید؟

فقیهی: بهرحال، همین که شما با یک شخصیت معتبر اسرائیلی دیدار داشتید و البته معتقد به صلح با اسرائیل هستید، شاید در رفت و آمدتان به ایران و دیدارتان با مقامات ایران، مشکل ساز شود؟ یعنی شما از این قوانین ایران مطلع نیستید؟

امیر احمدی: نه! اشتباه می کنید، چرا اینگونه فکر می کنید؟ من حق ندارم به عنوان شهروند ایرانی به اسرائیل بروم، اگر بروم قانون ایران اجازه برخورد با من را دارد و حتی اجازه ورود به ایران را نمی دهد، اما می توانم با یک شهروند اسرائیلی در جایی جز فلسطین اشغالی دیدار کنم، من که با عنوان یک مقام ایرانی با وی دیدار نکردم، او نیز به عنوان یک شخصیت اسرائیلی با من ملاقات نکرد! من استاد دانشگاه و شیعه و مسلمان هستم، او نیز به عنوان معاون نخست وزیر اسرائیل با من صحبت نکرد، بلکه دو طرف صرفاً به عنوان یک شهروند از دو نطقه جهان با یکدیگر دیدار کردند. نیامدیم که به عنوان دو شخصیت ایرانی و اسرائیلی با هم دیدار کنیم! ضمن آن که در قانون اساسی ایران ملاقات شهروند های دو کشور منع نشده است، سفرا و وزرای ایرانی با کلیمی ها و یهودی ها که از نزدیک اتصال با اسرائیل دارند دیدار میکنند که البته کاملاً طبیعی هست. بنابراین فکر نمی کنم کار غیرقانونی، یا خطای بزرگی کرده باشم.

فقیهی: جنابعالی با آقای احمدی نژاد در نیویورک و تهران دیدار داشتید.

امیر احمدی: در نیویورک بله.

فقیهی: مهمترین شاخصه ای که درون احمدی نژاد دیدید چه بود؟

امیر احمدی: احمدی نژاد شخصیتی است به شدت باهوش و خیلی جاها هم در مورد رابطه با آمریکا خوب فکر می کند، استراتژی وی برای برقراری این رابطه نیز خوب است، او کسی است که سه سال است راه به دنیا باز کرده و تا سه سال پیش، دید جهانی از مسائل نداشته، هر چند بهر حال ایشان یواش یواش رشد پیدا کرده و قوی تر می شوند. اما به نظرم، دولت احمدی نژاد دولت آزمون و خطاست، چرا خیلی سریع افراد داخل کابینه تغییر می کنند.

فقیهی: شما ایرادهای اساسی به دیدگاههای اقتصادی ایشان گرفتید و گفتید که مشاوران اقتصادی خوبی ندارند.

امیر احمدی: من یک چیزی بگویم، نه آقای هاشمی و خاتمی و نه احمدی نژاد، هیچ یک مشاور اقتصادی خوبی نداشتند، اصلاً کشور ما اقتصاددانان خوبی ندارد. در واقع کشور ما در فقر اقتصاددانی به سر می برد.

فقیهی: اما هستند کسانی که بالاخره اساتید دانشگاه هستند و نظریات بسیار مهمی طرح می کنند.

امیر احمدی، بله، اما اگر باشند خیلی نادر هستند، و اگر وجود داشته باشند در مملکت کاره ای نیستند، این اقتصاد، اقتصادی است خالی از فکر و مغز، منظورم این نیست که اقتصاددانان ایرانی چیزی نمی دانند، اما خیلی از آنانی که اقتصاد را به خوبی درک کرده اند، سیاسی نیستند و در دولت نیستند. اقتصاد ما اقتصاد بیماری است، این اقتصاد مبانی ساده ی بازار را رعایت نمی کند، مبانی جهانی را هم رعایت نمی کند، مثلاً اصلاً تورم ربطی به افزایش نقدینگی ندارد و امثالهم که بحث خود را می طلبد.

ادامه دارد....

مصطفی فقیهی

Editor@entekhab.ir

Editor@tiknews.net

بخش نخست: امیر احمدی: با مقامات اقتصادی دولت احمدی نژاد دیدار داشتم/ به آمریکایی ها می گویم واقعیت با آنچه در «صدای آمریکا» می شنوید، فاصله ای زیاد دارد